

هجوم همه جانبه

● سیدرضا حسینی



■ جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان
 ■ زمینه‌سازی و آغاز تهاجم از ۱۴ بهمن ۱۳۵۷ تا ۳۱ مهر ۱۳۵۹
 ■ تهران: مرکز ملی اسناد پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، ۱۳۸۷، جلد اول، چاپ اول، ۵۲۲ صفحه

مقدمه

جنگ هشت ساله ایران و عراق، همانند بسیاری از جنگ‌های فرسایشی تاریخ معاصر جهان، جنگی با ضایعات انسانی، اقتصادی، انبوه شهیدان و جانبازان بود. اما نکته‌ی حائز اهمیت، نقش این جنگ در پشت سر گذاشتن دوره‌ای طولانی از تردید و تزلزل است. دوره‌ای ۱۵۰ ساله که در خلال آن، ایران و ایرانی به تدریج به باور خود، یعنی توانایی دفاع از موجودیت خود که از بنیانی‌ترین اصول وجودی‌اش بود، رسید. چراکه با تمام تلاش‌های صورت گرفته، ایرانیان در جنگ‌های ایران و روس در قرن ۱۹ و سپس در جنگ مرو، طعم ناگوار شکست را چشیده بودند. در مراحل برای رفع این کاستی‌ها، تلاش‌هایی به کار رفت اما این تلاش‌ها در فاجعه شهریور ۱۳۲۰ و چیرگی سهل و آسان متفقین بر کشور نشان داد، این تلاش‌ها واپسین فروغ شعله‌ای در آستانه خاموشی بود. ولی تجاوز رژیم بعث عراق در شهریور ۱۳۵۹ و تقارن آن با دوره‌ای از تحولات عمیق سیاسی و اجتماعی به سرریز نیروی درونی میدان داد که در نهایت این روند را به کلی دگرگون و این شعله فروخته را از نو پرفروغ ساخت و در نهایت جنگ در شکل‌گیری مجدد این موجودیت و نهادینه شدن این نیروی درونی نقش اساسی ایفا کرد. بر کسی پوشیده نیست که این جنگ با تجاوز قطعی و مسلم رژیم بعثی عراق آغاز شد. در زمینه آغاز این جنگ تحلیل‌گران غربی به طور عمده روی اختلافات مرزی ایران و عراق و در نهایت تهدیداتی که انقلاب اسلامی در ایران متوجه دولت عراق کرده بود، محدود شده‌اند و کمتر به سایر زمینه‌ها و ابعاد مؤثرتر و حتی مهم‌تر پرداخته‌اند. خواننده با تورقی بر این اسناد به خوبی به موضع‌گیری رسانه‌های غربی و حامیان رژیم بعث عراق و به یقین به ناگفته‌ها و ناشنیده‌های احتمالی جنگ تحمیلی از نگاه غرب پی خواهد برد. ژنرال احمدحسن البکر^۱ در ۲۷ خرداد ۱۳۴۷/۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ به همراه صالح عمّاش و حردان تکریتی با انجام کودتایی بر علیه عبدالرحمن عارف^۲ قدرت را در عراق به دست گرفت. او با موجی از ترور و سرکوب پایه‌های حکومت بعث را استحکام بخشید و بغداد را به بهشتی برای گارد قدیمی بعثی‌ها درآورد و افرادی همچون میشل عفلق، شبلی شمیم العیسمی، امین حافظ و الیاس فرح از گوشه و کنار جهان وارد بغداد شدند و عراق را مرکز فرماندهی جدید بین‌العربی بعث قرار دادند. (امامی، ۱۰، ۱۳۷۶-۲۰۹)

دولت عراق از اول دولتی نبود اینها مجلس هم ندارند، حالا خیال می کنند اینها دولت

امام ارتش عراق را به قیام دعوت کرد

انتر گروهبای
سیاسی
درمداری
تعطیل میشود

صفحه ۱۲
تک شماره ۱۵ ریال

شبه ۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۹ - سوم جهانی‌التاسی ۱۴۰۰ - شماره ۱۰۹۷۹

به تصویب شورای انقلاب و تأیید امام:

را در وضعیتی قرار دهد که بتواند از خود دفاع کند، بازسازی شود و به عدالت برسد. درباره‌ی انقلاب اسلامی ایران نیز گفت: انقلاب اسلامی ایران باید با انقلاب عرب از در دوستی درآید؛ هر انقلابی که خود را اسلامی بخواند، اما انقلاب عرب را نقض کند، اصلاً اسلامی نیست. (همان، صص ۱۵۹-۶۰)

روابط ایران و عراق از ۱۳۵۴/۱۹۷۵ به بعد، متکی به قرارداد اول تیر ۱۳۵۴/۲۲ ژوئن ۱۹۷۵ الجزایر بود. دولت جدید انقلاب اسلامی ایران نیز پس از پیروزی با توجه به وفای به عهد به این عهدنامه احترام گذاشت و مفاد آن را رعایت کرد. (تیرمن، ۱۳۷۶، ص ۱۶۲) ولی باید گفت که سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و آثار و نتایج آن از جمله ایجاد خلاء قدرت منطقه‌ای، تأثیر مهمی در شروع جنگ داشت؛ چراکه با فروپاشی نظام دوستونی، توازن نسبی قوا در منطقه‌ی خلیج فارس تغییر کرد. بنابراین کیفیت روابط ایران و عراق به عنوان دو رقیب دیرین و سرسخت یکدیگر متحول شد و با پیدایش خلاء قدرت در خلیج فارس، موج اسلامی می‌توانست ثبات منطقه را از دیدگاه کشورهای همجوار با کشورهای بزرگ مورد تهدید قرار دهد. (اسدی، ۱۳۸۱، ص ۴۸)

صدام مترصد بود که خلاً قدرت ناشی از سقوط رژیم شاه در منطقه را پر نماید. این فرصت با افزایش قدرت اقتصادی عراق به دلیل افزایش قیمت نفت در منطقه خلیج فارس ایجاد شده بود. چنان‌که عراق جایگزین ایران به عنوان دومین تولیدکننده نفت بعد از عربستان سعودی در منطقه شده بود. ظهور قدرت سیاسی عراق بعد از افول رژیم مصر در خاورمیانه به علت امضای پیمان کمپ دیوید و صلح با اسرائیل و بروز خصومت و دشمنی آشکار میان عراق و سوریه همه بر قدرت طلبی صدام صحه گذاشت.

صدام حسین در آغاز تجاوز به ایران دارای سه انگیزه شخصی بود و امیدوار بود با پیروزی سریع بر ایران، خواسته‌های جاه‌طلبانه و شخصی وی ارضا و تأمین گردد. انگیزه اول تلاش برای کسب رهبری جهان عرب بود. به دنبال مرگ ناصر و امضای پیمان کمپ دیوید و انزوای مصر، جهان عرب دچار خلاً رهبری شده بود و نیازمند شخصیتی بود که بتواند با استفاده از امکانات و توانایی‌های کشور خود، در جهت آرمان‌های وحدت جهان عرب و جبران تحقیر اعراب در قبال اسرائیل این خلاً را پر نماید. صدام حسین

صدام که از ۱۳۴۴/۱۹۶۵ معاون حسن البکر - دبیر کل حزب - بود، به معاونت شورای انقلاب در امنیت داخلی و معاونت ریاست جمهوری عراق دست یافت. در ۱۳۵۵/ ۱۹۷۶ به درجه‌ی ژنرالی نیروهای مسلح عراق ارتقا یافت و به سرعت به مرد شماره یک دولت تبدیل شد. او قبل از این که در ۱۳۵۸/۱۹۷۹ به طور رسمی قدرت را به دست بگیرد، عملاً تبدیل به رهبر عراق شده بود و کم‌کم شروع به تحکیم قدرت خود بر دولت عراق و حزب بعث کرد. ارتباطات اعضای حزب را با دقت کنترل و حلقه‌ی حمایت از خود را در حزب بعث قوی‌تر می‌کرد. پس از آن که احمد حسن البکر، رئیس‌جمهور عراق از قدرت کنار گذاشته شد، نقش صدام به عنوان چهره‌ی برجسته دولت عراق در داخل و خارج از کشور پررنگ‌تر گردید. او معمار سیاست خارجی عراق شد و در تمامی جلسه‌ها و دیدارهای دیپلماتیک به عنوان نماینده‌ی ملت عراق حاضر می‌شد. ژنرال حسن البکر رئیس‌جمهور عراق طی یک نطق تلویزیونی در ۲۶ تیر ۱۳۵۸/۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹ در بغداد اعلام کرد که به دلائل مربوط به وضع سلامتی خود، تصمیم گرفته از مقام ریاست جمهوری، دبیر کلی حزب بعث و ریاست شورای انقلاب عراق کناره‌گیری کند. هرچند دلیل برکناری حسن البکر و سپردن تمامی مسئولیت‌ها به صدام، بیماری و اوضاع جسمی و سلامتی وی ذکر شد؛ اما موضوع به طور وضوح از یک انتقال قدرت داخلی و تغییر و تحولاتی مهم در رهبری عراق حکایت داشت. (روزنامه انقلاب اسلامی ۲۶، تیرماه ۱۳۵۸). رهبر حزب بعث عراق که در راستای اهداف نخله‌ی عرب‌گرایی افراطی بعثی، آینده‌ی جهان عرب را از آن اندیشه خود می‌دانست (رجایی، ۱۳۸۱، ص ۴۵) پس از امضای موافقت نامه کمپ دیوید توسط مصر، فرصت را غنیمت شمرد تا خود را رهبر جهان عرب قلمداد کند. در آبان ۱۳۵۷/ نوامبر ۱۹۷۸ کنفرانس سران عرب را در بغداد میزبانی کرد و در اسفند ۱۳۵۷/ مارس ۱۹۷۹ کنفرانس وزرای خارجه را پذیرایی کرد و در همان حال رسماً نسبت به مصر موضع گرفت. صدام خود را مدافع کشورهای عرب حاشیه‌ی خلیج فارس و ایرانیان عرب‌زبان خوزستان معرفی کرد و به‌طور رسمی اعلام کرد: وظیفه‌اش انقلاب عرب و ایجاد تغییرات کیفی است تا بدین وسیله عظمت گذشته‌ی اعراب در مفاهیم و حرکت‌های تازه را تحقق بخشد و ملت عرب

(ره) نیز موج جدیدی از ناآرامی‌های شیعیان را در عراق به وجود آورد. تظاهرکنندگان در مراسم محرم آن سال خواستار اصلاحات اجتماعی و استقرار یک حکومت اسلامی شدند. به‌زعم دکم‌جیان «دولت عراق با توجه به الهاماتی که مبارزان شیعه از جانب حضرت امام خمینی (ره) می‌گرفتند، حزب الدعوة را همچون ستون پنجمی می‌دانست که هدفش ادغام ایران و عراق است. دولت بعثی در پاسخ آیت الله صدر را دستگیر و تظاهرات شیعیان را به شدت درهم کوبید. عظمت و گستردگی سرکوب باعث شد تا اندکی پس از روی کار آمدن صدام حسین در دوم تیر ۱۳۵۸ / ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹، ۲۲ مقام بلندپایه بعثی اعدام شوند. اعلام حمایت مطلق از انقلاب اسلامی ایران توسط آیت الله صدر و تشویق مبارزه مسلحانه علیه رژیم موجب شد که او را به تشکیل یک حکومت شیعه در عراق و خیانت متهم نموده و همراه با خواهرش در اردی بهشت ۱۳۶۰ / آوریل ۱۹۸۱ به شهادت برسانند.» (دکم‌جیان، ۱۳۶۶، ص ۱۹۷)

در ماه‌های قبل از جنگ حوادثی در عراق به وقوع پیوست که مقامات رژیم آن را به عوامل جمهوری اسلامی ایران نسبت دادند و این حوادث نشان دهنده این بود که اوضاع داخلی عراق تا چه میزان بر اثر انقلاب اسلامی آسیب‌پذیر شده است. صرف نظر از این که ادعاهای رژیم بعث تا چه میزان با واقعیت منطبق بود ولی بیانگر نوعی بیم و ترس از تحولات انقلاب اسلامی داشت. رئیس جمهور عراق کلیه این حوادث را بعدها در هنگام سخنرانی ۲۰ تیر ۱۳۶۳ چنین اعلام می‌کند: «با سوء قصد به وزیر امور خارجه شروع کردند. سپس به یکی از اعضای شورای رهبری ملی ما حمله کردند. به وزیر اطلاعات سوء قصد نمودند و در یک جشن دانشجویی، جشن دیگری با پرتاب بمب‌ها آغاز کردند. کسانی که در این حوادث شرکت داشتند از افراد مدرسه ایرانیان و نمایندگی‌های ایران در عراق بودند. اسلحه از آن‌هاست و همکاری نیز همین طور، این مسأله روشن و آشکار است.» (پارسادوست، ۱۳۷۰، ص ۱۸۲)

رژیم عراق همچنین شورش کردهای شمال عراق را بعد از پیروزی انقلاب اسلامی متأثر از انقلاب ایران می‌دانست تا جایی که رئیس جمهور عراق به‌زعم خود یکی از دلایل لغو موافقت‌نامه الجزایر را دخالت جمهوری اسلامی ایران در قضیه اکراد می‌داند. وی در نطق ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ / سپتامبر ۱۹۸۰ چند روز قبل از حمله سراسری عراق به ایران می‌گوید: «ایران از پسران بارزانی دعوت نموده که به این کشور بیایند. ایران قصد دارد آنان را علیه دولت عراق تحریک کند.» (همان، ص ۱۸۲) بنابراین نگرانی‌هایی



امیدوار بود با پیروزی در جنگ با ایران چنین موقعیتی را کسب نماید و به همین دلیل نام این جنگ را جنگ قادسیه نامید تا یادآور شکست ایرانی‌ها از اعراب مسلمان در اوایل ظهور اسلام باشد. انگیزه دوم صدام این بود که از سقوط شاه که بر اساس دکترین نیکسون به عنوان ژاندارم منطقه انتخاب شده بود، بتواند با پیروزی بر ایران خلأ سقوط شاه را پر کند و نقش ژاندارم منطقه را در حفظ منافع غرب بازی کند و علی‌رغم مواضع ضدآمریکایی که قبلاً اتخاذ می‌کرد، به آمریکایی‌ها نشان دهد که تضاد منافع با آن‌ها ندارد و اقدام وی در راستای اهداف آمریکا در منطقه است. انگیزه سوم صدام جبران تحقیری بود که شخصاً در امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر شده بود و همواره احساس می‌کرد که در این جریان اجباراً تن به امضا این قرارداد داده است. بنابراین درصدد بهانه‌ای بود که قرارداد ۱۹۷۵ م را باطل کند و این عمل را در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ / ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ در اجلاس فوق‌العاده مجمع ملی صورت داد. (محمدی، ۱۳۸۶، صص ۱۳۲-۱۳۰)

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ / ۱۹۷۹ به رهبری امام خمینی

این اثر نخستین تلاش مدون محققانی است که از بریده مطبوعات جهان ترجمه و به بازار نشر ارائه نموده‌اند. این اسناد از زمان جنگ در مرکز ملی اسناد دفاع مقدس نگهداری شده است

در مرکز ملی اسناد دفاع مقدس نگهداری شده است. جمع‌آوری اسناد به زمان آغاز بحران و تشکیل دفتر تبلیغاتی جبهه و جنگ باز می‌گردد. در سال ۱۳۸۴ با راه‌اندازی مرکز ملی اسناد دفاع مقدس ذخیره‌سازی رایانه‌ای این اسناد در دستور کار قرار گرفت. این اسناد بالغ بر ۳۵۰۰۰ هزار برگ به زبان اصلی است که در گذشته تلخیص و ترجمه شده بود. با شکل‌گیری مرکز ملی اسناد مورد توجه قرار گرفت که حاصل اقدامات انجام شده بر روی آن، ارائه مجموعه‌ای ۵۰ جلدی با عنوان «جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان» خواهد بود. این مجموعه با بهره‌گیری از نظرات اصلاحی و تکمیلی مترجمین و با محور قرار گرفتن سیر تاریخی اخبار و اطلاعات موجود تنظیم شده است. بنا به گفته مسئولان مجموعه ۵۰ جلدی «جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان» را پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس منتشر می‌کند.

فاز اول این طرح، تدوین ۱۰ هزار برگ سند در ۱۶ جلد بود. سه جلد از مجموعه ۵۰ جلدی «جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان» در خرداد ماه ۱۳۸۷ همزمان با سال‌روز آزادسازی خرمشهر رونمایی شد. قرار بود تا پایان سال ۱۳۸۷، ۱۶ جلد از این مجموعه چاپ شود و در اختیار محققین و علاقه‌مندان گذاشته شود؛ ولی عملاً این وعده محقق نگردید و در سال ۱۳۸۷ فقط به همین سه جلد اکتفا شد. در مرحله بعد پنج جلد دیگر تا پایان تابستان ۱۳۸۸ به چاپ رسید و بنا به گفته مسئولان پژوهشگاه هشت جلد دیگر نیز تا بهمن ماه سال جاری به زیور طبع آراسته خواهد شد. اولین مجلد از این مجموعه تحت عنوان «زمینه‌سازی و آغاز تهاجم» حزب بعث عراق به رهبری صدام از ۱۴ بهمن ۱۳۵۷ تا سوم مهر ۱۳۵۹ به ایران دربردارنده اطلاعات و اخبار زمینه‌سازی‌های دشمن برای آغاز جنگ و شروع تهاجم عراق است که در این مقاله بررسی خواهد شد. لازم به ذکر است که پاسخ به بسیاری از مطالب مندرج در اخبار و اطلاعات منتشره با توجه به آشکار شدن حقایق زیادی از زوایا و لایه‌های پنهان جنگ از قبیل مشخص شدن متجاوز از سوی سازمان ملل، تأیید استفاده از سلاح‌های شیمیایی و غیرمترعارف توسط عراق، نقض مکرر اصول قواعد بین‌المللی از طرف متجاوزین بعثی و... به عهده‌ی محققین، صاحب نظران و خوانندگان محترم گذارده شده تا با برداشتها و نگرش‌های خود نتایج و ثمرات متفاوتی را رقم زنند. به منظور بهره‌برداری کامل‌تر از این مجموعه، تصویر اصل منابع خبری تلخیص و ترجمه شده و در قالب کتاب الکترونیک تهیه و با هر جلد ارائه شده تا محققان و کاربران گرامی بتوانند با صرف حداقل زمان ممکن به موضوعات

که دولت صدام از بازتاب انقلاب اسلامی بر عراق داشت، نیز عامل مهمی در آغاز این جنگ و به منظور شکست و نابودی انقلاب بوده است تا بدین وسیله از تأثیر آن بر جامعه عراق جلوگیری نماید. در عین حال اوضاع داخلی ایران را نیز به عنوان یک انگیزه مهم در ترغیب صدام به آغاز جنگ نباید فراموش کرد. حکام عراق بر اساس شواهد مختلف مطمئن بودند که در یک جنگ کوتاه مدت در مقابل ایران به اهداف از پیش تعیین شده خود خواهند رسید. اوضاع داخلی ایران بعد از پیروزی انقلاب و بلافاصله قبل از آغاز تجاوز برای یک رژیم متجاوز در سه زمینه تحریک کننده بود. نخست این که دولت انقلابی نه تنها هنوز دوران ناآرامی بعد از انقلاب را پشت سر می‌گذاشت، بلکه به علت حضور لیبرال‌ها در حاکمیت و به‌ویژه حضور بنی‌صدر به عنوان رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوا درگیر تضادها و اختلافات شدید درون حاکمیت بود و امکان هماهنگی و تمرکز در تصمیم‌گیری را که لازمه شرایط بحرانی و جنگ است، از بین برده بود و از طرف دیگر نیروهای مسلح نیز به دلایل متعدد انسجام و آمادگی لازم برای مقابله با یک جنگ خارجی همه‌جانبه را نداشتند. سازمان و تشکیلات ارتش بعد از انقلاب و به دنبال تصفیه‌های ضروری، دوران بازسازی و بازنگری خود را می‌گذراند و از نظر تجهیزاتی نیز با تحریم تسلیحاتی آمریکا و خروج کارشناسان نظامی مواجه بود و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بیشتر برای مواجهه با ضدانقلاب داخلی ایجاد شده بود، دوران طفولیت و عنفوان جوانی خود را طی می‌کرد و به هیچ وجه برای یک جنگ کلاسیک مدرن ساخته نشده بود. همچنین درگیری‌های قومی و محلی در مناطق مختلف کشور، نیروهای مسلح را به خود مشغول داشت. تنها موضوعی که در محاسبات صدام و بسیاری از مشوقین و محرکین وی با آغاز جنگ منظور نشده بود، انرژی عظیم و فوق‌العاده‌ای بود که با پیروزی انقلاب اسلامی و حضور توده‌های عظیم میلیونی و با اعتقادات راسخ اسلامی و آمادگی برای ایثار و شهادت تحت رهبری بزرگ‌مرد تاریخ، حضرت امام خمینی (ره) آزاد شده بود و توانست آرزوهای صدام و پشتیبانانش را مبدل به یأس کند. (محمدی، صص، ۱۳۵-۱۳۴)

درباره کتاب

سه جلد از مجموعه «جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان» به همت پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس (مرکز ملی اسناد) در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است. این اثر نخستین تلاش مدون محققانی است که از بریده مطبوعات جهان ترجمه و به بازار نشر ارائه نموده‌اند. این اسناد از زمان جنگ

شیوه دسته‌بندی اسناد، ترتیب زمانی انتشار روزنامه‌های موجود بوده است. به نظر می‌رسد به سبب پراکندگی موضوعات و شاید غیرقابل تفکیک بودن اسناد، سیر زمانی مطبوعات، یعنی بر اساس تاریخ، روز، ماه و یا سال انتشار روزنامه‌ها، روشی بوده که گردآورندگان توانسته‌اند از آن بهره‌مند شوند

مطالب مورد علاقه خود و همچنین در صورت نیاز به متن اصلی آن دسترسی داشته باشند. این مجموعه حتی الامکان از حذف و تغییر اطلاعات و اخبار توهین آمیز متناقض و یا خلاف واقع به دلیل آشنایی بیشتر کاربران و محققان با ادبیات به کار گرفته شده و خوی محافل خبرساز جهانی در هر مقطع زمانی پرهیز کرده و سعی شده تا چهره واقعی مدعیان اطلاع رسانی بی طرفانه و بشردوستانه بیش از پیش بر مخاطبین آشکار شود.

با نگاهی به فهرست مطالب و عنوان اسناد موجود در کتاب مشخص می شود که شیوه دسته بندی اسناد، ترتیب زمانی انتشار روزنامه های موجود بوده است. به نظر می رسد به سبب پراکندگی موضوعات و شاید غیرقابل تفکیک بودن اسناد، سیر زمانی مطبوعاتی، یعنی بر اساس تاریخ، روز، ماه و یا سال انتشار روزنامه ها، روشی بوده که گردآورندگان توانسته اند از آن بهره مند شوند. خواننده کتاب برای یافتن مطالب مورد نظر خود باید به فهرست مطالب کتاب مراجعه کند که این شیوه نیز در اغلب موارد کارساز نیست. شاید تقسیم مطالب به لحاظ موضوعی و نه زمانی، بهره گیری از کتاب را می توانست افزایش دهد. در این روش خواننده می تواند به راحتی مطالب مورد نظر را در بخش مربوط دنبال کند ضمن آن که گردآورندگان این مجموعه می توانند در ویراست های بعدی به اقتضای موضوع، مطالب جدید را در بخش مربوط اضافه کنند.

مجموعه اسناد جلد اول کتاب دارای ۳۵۱ سند در ۵۲۲ صفحه تنظیم و تدوین شده است. سیر تاریخی اسناد به کار رفته در جلد اول کتاب از تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۵۷ با موضوع «کناره گیری عراق از شوروی و تجدید پیوند با غرب» آغاز می شود و با موضوع «احتمال کشته شدن سه آمریکایی در حمله هوایی ایران به مجتمع پتروشیمی عراق» به تاریخ سوم مهرماه ۱۳۵۹ پایان می رسد. ۲۲۸ سند ابتدای کتاب به عنوان اصلی اثر یعنی «زمینه سازی و آغاز تهاجم» ارتباط دارد و در مجموع ۳۳۸ صفحه کتاب را به خود اختصاص داده است. ۱۲۳ سند دیگر که از صفحه ۳۳۹ به بعد کتاب را به خود اختصاص داده مربوط به آغاز جنگ تحمیلی از تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ است. اولین مطلب این قسمت با موضوع «قرارداد سال ۱۹۷۵ دلیل اختلافات ایران و عراق» از روزنامه کریستین ساینس مانیتور انتخاب شده است. جفری گادسل نویسنده این خبر دلیل حمله رژیم بعث عراق به ایران را چنین بیان می کند: «هدف فوری عراق در نزاع با ایران پس گرفتن امتیازاتی است که در سال ۱۹۷۵ به ایران داده بود؛ ولی هدف درازمدت و بزرگتر آن سه چیز است: ۱. تبدیل بغداد به مرکز قدرت خاورمیانه عربی ۲. به عنوان بخشی از این هدف، عراق قصد دارد جای ایران را به عنوان قدرت مسلط در خلیج فارس بگیرد. ۳. از بین بردن امکان هرگونه تلاش متقابل اسلام شیعی انقلابی در ایران برای ویران کردن عراق به کمک جامعهی بزرگ مسلمانان شیعهی این کشور».

(جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ج ۱، ص ۳۳۹)
اولین مطلب کتاب به تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۵۷ از روزنامه واشنگتن پست انتخاب شده و به دخالت نظامی شوروی در افغانستان و بهبود روابط تجاری، فرهنگی و سیاسی عراق با آمریکا پرداخته است. (همان، صص ۲۴-۲۳)
گردآورندگان در تنظیم جلد اول کتاب از روزنامه های واشنگتن پست،

هرالد اگزومینر، لس آنجلس تایمز، الازمنه العربیه، نیویورک تایمز، کریستین ساینس مانیتور، بیزینس ویک، آبرور، نیوزویک، یو اس نیوز ورلدریپورت، النهار، وال استریت ژورنال، اکونومیست، بیزنس ویک، العمل، السفير، اف. دی. آر، تایمز، وال استریت ژورنال، دیلی تلگراف، اینترنشنال هرالد تریبون، گاردین، فایننشال تایمز، مورنینگ استار، اویشن ویک، الحوادث، الشهدی، الاحوار، نیشن، الشرق الاوسط، تایم، داون، السیاسه، الانوار، ساندی تایمز، لیبر بلگیوم، الانباء، لیبراسیون، لولیبیر بلیکو، القیس، المجله، استفاده کرده اند.

از آنجا که جنگ تحمیلی بخشی از ساختارهای جامعه در دهه اول انقلاب را تشکیل می داد، اهمیت این اثر زمانی مشخص می شود که بتواند در خدمت تحول و تداوم جامعه قرار گیرد. کتاب جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان امتیازاتی دارد که بر ارزش و غنای آن افزوده است. این اثر نخستین مجموعه ای است که بعد از جنگ تحمیلی، این رخداد بزرگ را از منظر روزنامه نگاران بیگانه به تصویر کشیده است و پژوهشگران با بهره گیری از این مجموعه با مباحث جدیدی آشنا خواهند شد. مطالعه این اسناد می تواند موضع گیری روزنامه های غربی و حامیان منطقه ای رژیم بعث عراق و بسیاری از مباحث را از منظری دیگر روشن کند.

نقد و ارزیابی

در نقد و ارزیابی اثر باید به این نکته توجه داشت که اگر این اثر ارزشمند، اصیل و بدیع مورد نقد قرار گرفته است، نشان از نقص و کم ارزشی آن نیست؛ بلکه اثری با این وسعت کار و با این ارزش، شایسته آن است که به دقت مورد نقد و بررسی قرار گیرد. زیرا تا نقص و عیب شناخته نشود و برای آن چاره ای اندیشیده نشود، دل خوش کردن به آنچه داریم نوعی رکود و عقب ماندن است. تاکنون صدها کتاب در حوز ه های موضوعی متفاوت برای بررسی ابعاد جنگ نگاشته شده است؛ اما این مجموعه نخستین اثر در زبان فارسی است که به بیان دیدگاه های جراید و مطبوعات جهان با موضوع جنگ تحمیلی پرداخته و گام نخستین در گشودن بابی جدید برای رفع یکی از نیازهای اساسی و مبرم جامعه به شمار می آید؛ بدین سبب درخور توجه فراوان است. البته از آن جهت که گام نخست است، به طور مسلم با کاستی هایی همراه است که به طور اجمال بیان می شود.

۱. آنچه در کتاب برای هر خواننده ای مشهود است جای خالی پیش گفتار و مقدمه برای این اثر است. چه خوب بود اثری با این حجم و گستردگی و ارزش وافر، در مقدمه ای به چگونگی ترجمه، روش تدوین کتاب و جزئیات فنی و اهداف انتشار اثر و مباحث اساسی و احتمالاً تشکر و سپاس گذاری از همکاران و دوستانی که به هر نحوی در جریان تولید و چاپ کتاب مشارکت داشته اند، پرداخته می شد.

۲. اثر فاقد فصل بندی است و مطالب یک تکه و بدون هیچ تقطیعی در موضوع یا تنفسی به خواننده، سیر خود را طی کرده است. بهتر بود گرد آورندگان محترم، اسناد را بر اساس موضوع و نه زمان انتشار و در فصل بندی های منطقی و طبیعی تنظیم و تدوین می کردند.

۳. فقدان رعایت اصول علمی در سیستم ارجاعات و توضیحات در پاورقی ها؛ گاه گردآورندگان بدون ذکر شماره ای در متن، به بیان توضیحات در پاورقی



مرزهای ایران و عراق پس از قرارداد الجزایر

مبادرت کرده‌اند. همچنین استفاده از سلايق شخصی در صفحه‌آرایی، که کتاب را از اصول علمی صفحه‌آرایی آن خارج کرده است. برای نمونه:
- پاورقی ص ۲۸، بدون ذکر شماره در متن ص ۲۷ توضیحات داده شده است؛
- پاورقی ص ۳۵، بدون ذکر شماره در متن در همان صفحه توضیحات داده شده است؛

- پاورقی ص ۳۷، شماره در ص ۳۶ آمده است؛
- پاورقی ص ۴۲، در ص ۴۱، شماره (۲ و ۱) در متن آمده و در صفحه بعد برای دو شماره فقط یک مطلب بیان شده است.

۴. از آنجا که مخاطبان کتاب سطح تحصیلکرده، دانشگاهی و متخصصان این حوزه هستند، استفاده از تحلیل‌های بسیار ضعیف به صورت یادداشت‌های پاورقی درخور این اثر نیست. ضرورت داشت مترجمین کتاب شرح‌های تکمیلی با محتوایی علمی بر مبنای منابع اصلی جنگ بیان می‌کردند و یا حتی‌المقدور تعدادی از منابع را برای مطالعه بیشتر در این باره ارائه می‌نمودند چرا که توضیحات موجود نشان از آن دارد که نویسنده پاورقی‌های اطلاعات کافی از منابع جنگ و تاریخ منطقه نداشته است. برای نمونه به موارد زیر بنگرید:

- پاورقی ص ۴۰۹ «دروغ بودن این ادعاها روشن‌تر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد»؛

- پاورقی ص ۳۷، «حتماً صدام قصد سلطه بر خلیج فارس و کسب رهبری جهان عرب را داشته است».

۵. در مواردی توضیحات پاورقی هیچ ارتباطی با متن خبر ندارد. مثلاً در پاورقی ص ۵۷ درباره جمله «محمد راضی جعفر سخنگوی حزب بعث در بصره و مدیر ایستگاه محلی می‌گوید که [امام] خمینی همان سیاست‌های تجاوزکارانه شاه را در پیش گرفته است». چنین می‌نویسد: «مشاهده‌ی وضعیت ظاهری شهرهای خرمشهر و آبادان و مقایسه آن با بصره، خلاف این ادعا را ثابت می‌نماید. کمترین نویسنده مقاله در سطرهای بالای همین صفحه اظهار می‌دارد: «در کنار بافت‌های کهنه بصره، انواع پروژه‌های جدید شهری در حال اجرا و ساخته شدن هستند: در حالی که خرمشهر و آبادان دارای تأسیسات فراوان شهری، نفتی و بندری هستند».

۶. گردآورندگان گاه یک تحلیل را در چند پاورقی و برای موضوعات مختلف تکرار کرده‌اند.

- تکرار پاورقی شماره یک ص ۳۷، عیناً در پاورقی شماره یک در ص ۲۶۰.
۷. عدم وحدت رویه در رسم‌الخط اعداد، به گونه‌ای که اعداد دو رقمی گاهی به صورت حروف و گاهی به صورت عدد نوشته شده است.

- ص ۴۲، سطر اول «۱۶ معلم عراقی» و در سطر هفت می‌نویسد: «شانزده معلم عراقی»، ص ۵، «۸ سال پایداری» و چند سطر بعد می‌نویسد «در طول هشت سال حمایت».

۸. فقدان سلامت و سلاست در افعال و واژه‌های به کار رفته در ترجمه کتاب؛ هرچند در مقایسه با حجم اثر و سایر آثار ناچیز است، ولی به‌طور مسلم رفع آن‌ها به زیبایی اثر و بالابردن حیثیت علمی کتاب می‌افزاید. به برخی از این موارد اشاره می‌شود: ص ۳۹، سطر اول، «بازرگانان عرب به امریکا در

مورد به عواقب تدابیر اتخاذ شده از سوی آن کشور بر ضد... ایران هشدار دادند»، ص ۴۰، پاراگراف سوم، سطر اول و دوم، «برزیل هشتاد درصد... نفت موردنیاز خود را... از عراق تهیه می‌نمایند»، ص ۴۹، «فضای انقلابی ایران آیت‌الله‌ها»، ص ۵۰، «در طول مرزهای ایران آیت الله خمینی»، ص ۵۲۲ «برای احتیاط ۳۵ تن از کارکنان و آمریکایی‌های...».

۹. وجود غلط‌های چاپی و ویرایشی که اگر در چاپ‌های بعدی مرتفع شود جای امتنان و تقدیر دارد.

۱۰. ایراد مهم و اساسی کتاب، فقدان فهرست اعلام است. در کتاب‌هایی از این قبیل که اسامی بسیاری در جای جای متن به کار رفته وجود فهرست اعلام از ضروریات است. به کمک این فهرست خواننده می‌تواند به راحتی درباره اشخاص و مطالب مهم به متن مراجعه کند. امیدواریم در چاپ‌های بعدی ناشر محترم در رفع این اشکال کوشش کند و بر فواید کتاب خود بیفزاید.

۱۱. برخی اسناد پیام‌های محرمانه فرماندهان ارتش بعث عراق است. بهتر بود گردآورندگان کتاب چگونگی دستیابی به این منابع را توضیح می‌دادند.

برای مثال:

خبر ص ۲۷۸: «پیام سری سرلشکر کامل جاسم حمید فرماندهی یگان سوم زره پوش ارتش عراق به افسران بعثی است که از آن‌ها می‌خواهد در روزهای پنج شنبه و جمعه (۲۰ شهریور ۱۳۵۹/۱۱ سپتامبر ۱۹۸۰) در منازل خود باقی بمانند و مناطق سکونت خود را ترک نکنند».

- خبر ص ۲۸۲، «مکالمه محرمانه، براساس مکالمه شفاهی با رئیس ستاد مشترک ارتش عراق، همه بخش‌های این یگان باید به حال آماده‌باش از نوع [ج] درآیند».

۱۲. در فهرست مطالب، گاه عنوان یک خبر به دو عنوان مستقل تقسیم شده است. بنگرید به:

مقامات آمریکا میگویند که عراق، ایرانیان خواهان برکناری..... ۱۳۲
 - آیت الله خمینی را پناه می‌دهد..... ۱۳۲
 جدا از انتقادات وارده بر اثر مورد نظر، مطالب کتاب روش‌نگر و آگاهی‌دهنده است و آشنایی با آن مورد نیاز پژوهشگران کشور است. مطالعه دقیق آن می‌تواند برای محققین و دانشجویان علاقه‌مند پرثمر باشد، به خصوص در این مقطع تاریخی، که حرکت‌های مبارکی در عرصه علمی کشور پدید آمده‌اند. نتیجه این حرکت‌ها باید در جهت‌گیری‌های جدید علمی کشور ما نیز دیده شود. این امر در کنار بسیاری دیگر از ضرورت‌ها، یک ضرورت اساسی به نام «آگاهی از تاریخ جنگ» را نیز نیاز دارد.

کتابنامه

- اسدی، بیژن. خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
 - پارسادوست، منوچهر. زمینه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰.
 - تیرمن، کت. سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۷۶.
 - جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، ۱۳۸۷.
 - دکمجان، هرایر. جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان، ۱۳۶۶.
 - رجایی، فرهنگ. اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۱.
 - روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۶ تیرماه ۱۳۵۸.
 - محمدی، منوچهر. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصول و مسائل، ج ۴، تهران: دادگستر، ۱۳۸۶.

پی‌نوشت

۱. ژنرال احمد حسن البکر در سال ۱۹۱۴م در شهر تکریت عراق به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات در سال ۱۹۳۶ وارد ارتش شد و در ۱۹۵۳ فعالیت‌های سیاسی خود را همزمان با طی مدارج نظامی آغاز کرد. او در شمار نظامیان ارشد عراقی بود که با کنترل پایگاه‌های هوایی عراق در کودتای سال ۱۹۵۸، نقش مهمی در ساقط کردن حکومت پادشاهی ملک فیصل در این کشور ایفا کرد. احمد حسن البکر در سال ۱۹۶۳م در کودتا علیه عبدالکریم قاسم زمامدار وقت عراق نیز فعالیت داشت و در زمان حکومت عبدالسلام عارف، مدتی به نخست‌وزیری عراق رسید. احمد حسن البکر در زمان زمامداری عبدالرحمن عارف به معاونت ریاست جمهوری دست یافت ولی در سال ۱۹۶۸م بار دیگر علیه رئیس‌جمهور دست به کودتا زد و خود زمام امور عراق را به دست گرفت. کودتای نظامی احمد حسن البکر که از طرف حزب بعث عراق سازمان داده شده بود، سرآغاز حکومت استبدادی و خونین حزب بعث بر عراق بود که نزدیک به ۳۵ سال، تا سال ۲۰۰۳م به طول کشید. حسن البکر پس از این کودتا و به دست گرفتن قدرت، اختناق شدیدی در عراق به وجود آورد و هرگونه مخالفتی را با شدت سرکوب می‌کرد. حسن البکر تا سال ۱۹۷۹م در سمت رئیس‌جمهور عراق باقی ماند و در این سال تحت فشار معاونش، صدام حسین از مقام خود استعفا داد و از صحنه سیاست عراق خارج شد. او در ماه‌های آخر حکومت خود، کاملاً

محصور بود و هرگونه رابطه‌اش با خارج از عراق قطع گردید و سرانجام در چهارم اکتبر ۱۹۸۲م در ۶۸ سالگی در انزوا درگذشت.

۲. عبدالرحمن عارف در سال ۱۹۶۳ و پنج سال بعد از سقوط خونین پادشاهی عراق توسط برادر بزرگترش عبدالسلام عارف که در آن زمان رئیس‌جمهور بود به سمت فرماندهی کل ارتش عراق منصوب شد. سه سال بعد برادر بزرگ‌تر او نیز در جریان سقوط هواپیمایش که گمان می‌رفت خرابکاری عمدی باشد جان خود را از دست داد و عارف با حمایت جمال عبدالناصر رئیس‌جمهوری وقت مصر و پشتیبانی افسران عالی رتبه عراقی قدرت را در دست گرفت. عارف تا قبل از کودتای خونین حزب بعث به رهبری احمد حسن البکر در سال ۱۹۶۸ رئیس‌جمهور عراق بود. او صبح ۱۷ جولای ۱۹۶۸ با تلفن خردان التکریتی وزیر دفاع کابینه خود از خواب بیدار شد و به او گفته شد که دیگر رئیس‌جمهور عراق نیست. او با تسلیم خود از قدرت کناره‌گیری کرد تا به این ترتیب جان خود و پسرانش را که از افسران ارتش بودند نجات دهد. بعد از این کودتا او را سوار بر هواپیمایی به لندن فرستادند و از آنجا وی را به استانبول تبعید کردند. در اواخر دهه ۱۹۸۰م به دستور صدام حسین به عراق بازگشت تا مابقی عمر خود را در کشورش سپری کند. به این ترتیب عارف تا قبل از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ با حقوق بازنشستگی در بغداد زندگی می‌کرد و بعد از آن هم با خانواده‌اش به اردن گریخت. (محمدصادق امینی، روزنامه اعتماد، ۳ شهریور ۱۳۸۶، ص ۳)

۳. کودتایی که در عراق احمد حسن البکر را سرنگون و تحت اقامت اجباری درآورد، به عنوان یک تحول مهم که بر امنیت ملی کشورمان تأثیرگذار بود، شناخته نشد و نهادهای نظامی داخلی براساس یک تحلیل دقیق بر توان خود نیفزودند که برای شرایط جدید آماده‌تر باشند. البته شرایط دوران گذار در آن هنگام تا حدودی قابل درک است و فشار گروه‌های چپ و منافقین برای انحلال ارتش یکی از مهم‌ترین متغیرهای منفی در کسب آمادگی بود. برای مقابله با شرایط بحرانی که از سوی عراق فراهم می‌شد، هیچ اقدامی در جهت جلوگیری از هرگونه اتحاد و ائتلاف در میان کشورهای عربی خاورمیانه و خلیج فارس (به استثنای سوریه) بر ضد انقلاب اسلامی از طرف دستگاه دیپلماسی کشورمان در آن هنگام به ثبت نرسیده است.

بالاخره می‌توان گفت که جنگ تجاوزکارانه در شهریور ۱۳۵۹ یک جبر اجتناب‌ناپذیر نبود و اگر در آن هنگام درک درستی از شرایط سیاسی موجود و تحولات در کشورهای همجوار وجود داشت و سیاست خارجی ما اراده و اقدام فعالانه برای حفظ امنیت ملی داشت و متبکرانه وارد عرصه می‌شد، شرایط به طور کلی یا جزئی تغییر می‌کرد. (حسین رویوران، همشهری دیپلماتیک، ش ۶۶)

۴. این شرایط پایه‌های اصلی قدرت رژیم بعثی را به لرزه درآورد و حزب حاکم بعث عراق را برای مقابله با چنین شرایط داخلی شدیداً دچار دودستگی کرد. گروهی بر این باور بودند که باید با انقلاب اسلامی ایران سیاسی رفتار کرد و از در دوستی و تحمل نسبت به آن درآمد تا کمتر آسیب دید. گروه دوم به رهبری صدام حسین اعتقاد داشتند رفتار با تحولات باید امنیتی باشد و شیعیان الزاماً باید سرکوب شوند و سردمداران آن‌ها به قتل برسند و با اتحاد و ائتلاف با کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی زیان دیده از پیروزی انقلاب اسلامی، ائتلاف بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده و در صورت لزوم به رهبری آن، جنگ بر ضد انقلاب اسلامی آغاز شود تا در سایه وجود دشمن خارجی در حال جنگ، میان شیعیان عراق و ایران فاصله بیفتد و اولویت‌های آنان تغییر یابد و رژیم بعثی در پناه این شرایط جدید تداوم پیدا کند.